

بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های حل تعارض

Investigating Reliability, Validity and Factor Structure of the Revised Conflict Tactics Scale

L. Panaghi, Ph.D. ✉

دکتر لیلی پناغی ✉

متخصص پزشکی اجتماعی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

M. Dehghani, Ph.D.

دکتر محسن دهقانی

استادیار دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

M. Abbasi, M.A.

مریم عباسی

کارشناس ارشد خانواده درمانی

S. Mohammadi, M.A.

سمیه محمدی

کارشناس ارشد خانواده درمانی

Gh. Maleki, M.A. Student

قیصر ملکی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۳/۱۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۷/۱۲

پذیرش مقاله: ۸۹/۷/۱۶

Abstract

This study investigates the reliability, validity and factor structure of the conflict tactic scale. A Sample of 395 (206 female, 189 male) were chosen from different region of Tehran by multistage cluster sampling. The CTS2 was used as instrument.

چکیده:

هدف مطالعه حاضر بررسی پایایی و روایی مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های حل تعارض می‌باشد. نمونه پژوهش شامل ۳۹۵ نفر (۲۰۶ زن و ۱۸۹ مرد) بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از مناطق مختلف تهران انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده مقیاس تجدیدنظر یافته تاکتیک‌های حل تعارض (CTS2) بود.

✉Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, G. C., Tehran, Iran
Tel: +9821-29902389
Email: lpanaghi@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۸۹
پست الکترونیکی: lpanaghi@yahoo.com

Result showed CTS2 had acceptable convergent and divergent validity in comparing with its subscales.

Exploratory factor analysis revealed three factor solutions were labeled physical assault, psychological aggression, and negotiation was the best solution for the Iranian sample. CTS2 and its subscales had good internal consistency (Chronbach's $\alpha=0.66$ to 0.86). This study showed CTS2 has appropriate validity and reliability for Iranian sample and is an efficient tool for research and couple counseling.

Keywords: CTS2, Validity, Reliability, Spouse, Domestic Abuse.

روایی واگرا و همگرایی این مقیاس با استفاده از خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه تأیید شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که در نمونه ایرانی پژوهش حاضر تحلیل سه عاملی با استفاده از سه خرده‌مقیاس حمله، خشونت روانی و مذاکره نسبت به سایر تحلیل‌ها مناسب‌تر است. همین‌طور این مقیاس و خرده‌مقیاس‌های آن از همسانی درونی مناسبی برخوردار هستند (آلفای کرونباخ بین $0/66$ تا $0/86$).

به طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های حل تعارض از روایی و پایایی مناسبی در جامعه ایرانی برخوردار است. می‌توان گفت این مقیاس یک ابزار خودگزارش‌دهی مفید و کارآمد برای اهداف پژوهشی و همچنین مشاوره زوجین است.

کلیدواژه‌ها: مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های حل تعارض، همسرآزاری، روایی، پایایی.

مقدمه

خشونت عملی است که با قصد، انجام گیرد و باعث ایجاد جراحت و درد در دیگران شود (گلس^۱، ۱۹۹۷). همسرآزاری یکی از مؤلفه‌های خشونت خانگی است. اسمیتی^۲ و استراوس^۳ (۲۰۰۴) خشونت همسران علیه یکدیگر را به عنوان «هرگونه رفتاری اعم از پرخاشگری جسمانی، اجبار جنسی، و سوء رفتار روان‌شناختی که تحقیر و اعمال قدرت علیه همسر یا شریک جنسی را در پی داشته باشد» تعریف می‌کنند. در ایران گستردگی خشونت علیه همسر از ۴۷ تا ۸۱ درصد گزارش شده است (اعزازی، ۱۳۸۵). با وجود آگاهی فزاینده از نقش برجسته خشونت در روابط زوجین و مزایای شناسایی این خشونت، در اکثر موارد وقوع آن در روند مشاوره زوجین ناشناخته می‌ماند (اندرسون^۴ و لی^۵، ۲۰۱۰). ناتوانی در تعیین این خشونت ممکن است هم به مقاومت مراجع و هم شرایط درمان مربوط باشد. برخی مراجعان ممکن است به خاطر اعتقادشان مبنی بر این که اقدامات خشونت‌بار قابل تحمل و بهنجار بوده و ابزاری ضروری برای حل تعارضات است آن را افشاسازی نکنند. عدم وجود آزمون‌های کارآمد نیز می‌تواند باعث ناشناخته ماندن میزان و شدت خشونت شود. برای سنجش این

پدیده ابزارهای مختلفی ساخته شده که یکی از رایج‌ترین آن‌ها مقیاس تاکتیک‌های حل تعارض (CTS) است. بنا به گفته استراوس و همکاران (۱۹۹۶) این ابزار از سال ۱۹۷۲ در مطالعات مختلفی مورد استفاده قرار گرفته و شرکت‌کنندگانی بالغ بر هفت هزار نفر به سؤالات آن پاسخ داده‌اند. CTS بر پایه نظریه تعارض ساخته شده است (آدامس^۶، ۱۹۶۵؛ استراوس، ۱۹۹۰؛ استراوس و گلس، ۱۹۹۰). بر اساس این نظریه وجود تعارض در تعاملات اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است و تاکتیک‌های مدیریت تعارض بر روی یک پیوستار قرار دارد که از تاکتیک‌های خشن (استفاده از اجبار و زور) تا تاکتیک‌های منفعل (بحث آرام پیرامون مسائل مختلف) در نوسان است. ماده‌های CTS تاکتیک‌های حل تعارض را در روابط افراد دارای زندگی مشترک رسمی و غیررسمی مورد سنجش قرار می‌دهد. CTS علی‌رغم کاربرد گسترده از جنبه‌های مختلفی مورد انتقاد قرار گرفته است. نخست این‌که رفتارها را بر حسب وخامت^۷ مرتب می‌کند؛ چنین ترتیبی به طور ضمنی گویای این است که سوءرفتار روان‌شناختی نسبت به خشونت جسمانی کم‌تر زیان‌بخش است. دوم این‌که ابعاد مهمی از خشونت هم‌چون خشونت جنسی را پوشش نمی‌دهد. سوم آن‌که CTS دلایل استفاده از خشونت را نمی‌سنجد و موقعیتی که خشونت در آن رخ می‌دهد را نادیده می‌گیرد (آرکر^۸، ۲۰۰۰؛ دیسای^۹ و سالتزمن^{۱۰}، ۲۰۰۱). استراوس در سال ۱۹۹۶ برای برطرف ساختن نواقص فوق نسخه تجدیدنظر شده (CTS2) را گسترش داد. می‌توان گفت مزیت اصلی CTS2 نسبت به نسخه اصلی تمرکز آن بر روش‌های عینی حل و فصل تعارض و ارزیابی گسترده‌تری از تاکتیک‌های حل تعارض می‌باشد. علاوه بر این، مقیاس مذکور میزان شدت و استمرار خشونت همسران علیه یکدیگر را نیز نشان می‌دهد. مزیت دیگر آن‌که CTS2 هم عملکرد شرکت‌کنندگان را می‌سنجد و هم رفتار همسران آن‌ها را. نسخه جدید دربردارنده یک مفهوم‌سازی چند بعدی از خشونت و راهبردهای حل تعارض است که مشتمل بر پنج بعد می‌باشد: مذاکره^{۱۱}، پرخاشگری روان‌شناختی^{۱۲}، حمله جسمانی^{۱۳}، اجبار جنسی^{۱۴} و صدمه^{۱۵}.

مقیاس مذاکره دارای ۶ ماده است و به اقداماتی مربوط می‌شود که دو طرف در برخورد با عدم توافق‌ها در خلال مباحثات انجام می‌دهند. این مقیاس هم شامل تاکتیک‌های مدیریت شناختی (مثلاً: همسرم پیشنهاد مصالحه داد) و هم مدیریت هیجانی (مثلاً یکی از زوجین از دیگری می‌پرسد چه احساسی دارد) است. مقیاس پرخاشگری روان‌شناختی شامل ۸ ماده و در بردارنده اعمال پرخاشگرانه کلامی و غیرکلامی می‌باشد. مقیاس حمله فیزیکی ۱۲ ماده دارد و به استفاده از خشونت فیزیکی برای مدیریت تعارض‌ها اشاره دارد. مقیاس اجبار جنسی با ۷ ماده استفاده از زور برای مجاب ساختن همسر به فعالیت جنسی را می‌سنجد و در نهایت مقیاس صدمه میزان درد، آسیب بافت یا استخوان، و نیاز به مراقبت پزشکی به عنوان پیامدی از اعمال خشونت‌بار را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد (کالویت^{۱۶}، کورال^{۱۷} و استوز^{۱۸}، ۲۰۰۷).

مطالعات گوناگون شواهدی دال بر پایایی و روایی قابل قبول این آزمون در کشورها و فرهنگ‌های مختلف ارائه داده‌اند (برای مثال استراوس و همکاران، ۱۹۹۶، ۲۰۰۷؛ موراس^{۱۹} و ریکنهیم^{۲۰}، ۲۰۰۲؛ نیوتن^{۲۱}، کانلی^{۲۲}، لنسورک^{۲۳}، ۲۰۰۱). پایایی زیرمقیاس‌های CTS2 توسط استراوس و همکاران (۱۹۹۶) در نمونه‌ای از دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت، آن‌ها دریافتند که دامنه همسانی درونی CTS2 از ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ در نوسان است. هم‌چنین ۴۱ پژوهش دیگر همسانی درونی CTS2 را بررسی کرده‌اند. در این مطالعات ضریب آلفا از ۰/۳۴ تا ۰/۹۴، با میانگین ۰/۷۷ متغیر بوده است (استراوس، ۲۰۰۷). با این حال مطالعاتی که ساختار عاملی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند، به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. برای مثال تحلیل عاملی تامی‌جونس^{۲۴}، جی^{۲۵}، بک^{۲۶} و بک^{۲۷} (۲۰۰۲) یک راه‌حل چهار عاملی را برای هر دو فرم پرخاشگر و قربانی نشان دادند: مذاکره، اجبار جنسی، صدمه و ترکیبی از آیت‌های حمله جسمانی و پرخاشگری روان‌شناختی. موراس و ریکنهیم (۲۰۰۲) با استفاده از نسخه پرتغالی در نمونه‌ای از زنانی که برای زایمان در بیمارستان بستری شده بودند، یک راه‌حل چهار عاملی را برای فرم قربانی به دست آوردند: خشونت جسمانی، اجبار جنسی، مذاکره و ترکیبی از آیت‌های پرخاشگری روان‌شناختی و صدمه. مطالعات اندکی نیز تحلیل عاملی تأییدی CTS2 را بررسی کرده‌اند. برای مثال نیوتن، کانلی، لنسورک (۲۰۰۱) ساختار عاملی این آزمون را در نمونه‌ای از زنان مورد مطالعه قرار دادند. تحلیل آن‌ها دربرگیرنده مقیاس‌های اصلی CTS2 (حمله جسمانی، پرخاشگری روان‌شناختی و مذاکره) و محدود به فرم پرخاشگر بود. نتایج نشان دادند مدل پنج عاملی که در آن حمله جسمانی و پرخاشگری روان‌شناختی به عوامل خفیف و شدید تقسیم می‌شوند، از راه حل سه عاملی مناسب‌تر است.

بررسی در باب خشونت همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده و آن‌چه همه پژوهشگران بر آن اتفاق نظر دارند این است که بررسی خشونت خانگی یکی از دشوارترین نوع تحقیقات در حوزه علوم رفتاری و اجتماعی می‌باشد. از میزان شیوع این پدیده در ایران آمارهای دقیقی در دست نمی‌باشد. یکی از دلایلی که می‌تواند آمارهای متفاوت در این زمینه را توجیه کند کمبود یا عدم وجود مقیاس‌های عینی و جامع برای بررسی چنین پدیده‌ای است. داده‌های متفاوت از گستردگی خشونت در جامعه، باعث سردرگمی می‌شود. اعتباریابی آزمون‌های کارآمد در این حوزه می‌تواند در پیشگیری و مداخله مؤثر نقش به‌سزایی داشته باشد. این مسئله به نوبه خود از استمرار و وخیم‌تر شدن شرایط افرادی که در معرض خشونت خانوادگی قرار دارند، جلوگیری می‌کند و نیز اقدام و مداخله روانی - اجتماعی به موقع برای کمک به قربانیان این پدیده را تسهیل خواهد ساخت. هنجاریابی و بررسی ساختار عاملی مقیاس CTS2 با فراهم آوردن سؤالاتی عینی و رفتاری برای بررسی این پدیده به هماهنگ نمودن نتایج پژوهش‌ها کمک می‌کند. هم‌چنین این اعتقاد وجود دارد که روشن ساختن پایایی و روایی مقیاس‌های متداول و استاندارد خشونت خانگی خصوصاً مقیاس‌هایی که به صورت بین‌فرهنگی

هنجاریابی شده‌اند، در نمونه‌هایی از جمعیت عمومی و غیربالینی، امکان ایجاد مدل‌های نظری تجربی را فراهم می‌سازد. هدف مطالعه حاضر بررسی پایایی و روایی مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های حل تعارض در جامعه ایران می‌باشد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش حاضر را کلیه زوجین ساکن شهر تهران تشکیل می‌دادند که حداقل یک سال از زمان ازدواج آن‌ها گذشته باشد. نمونه پژوهش شامل ۳۹۵ نفر (۲۰۶ زن و ۱۸۹ مرد) بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از مناطق مختلف تهران و از پارک‌ها به صورت در دسترس انتخاب شدند. در جدول ۱ پاره‌ای از اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه نمونه و همسران آن‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: خلاصه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه

انحراف استاندارد	میانگین	ویژگی جمعیت‌شناختی
۷/۶۷	۳۴/۲۴	سن آزمودنی
۸/۸۳	۳۳/۹۷	سن همسر
۹۴/۷۶	۱۱۵/۶۹	طول مدت زندگی مشترک (به ماه)
۴۷/۴۱	۲۹/۹۸	طول مدت آشنایی پیش از ازدواج (به ماه)

همان‌گونه که در جدول فوق می‌بینید، شرکت‌کنندگان پژوهش و همسران آن‌ها از جمعیت جوان تشکیل یافته‌اند و به طور میانگین نزدیک به ۱۰ سال از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذرد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی: پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که در آن از شرکت‌کنندگان خواسته شد که مواردی از قبیل سن، جنس، میزان درآمد، وضعیت اشتغال و برخی دیگر از اطلاعات مرتبط را تکمیل نمایند.

پرسشنامه CTS2: همان‌طور که ذکر شد CTS2 (استراوس و همکاران، ۱۹۹۶)، خشونت جسمانی و روان‌شناختی زوجین علیه یکدیگر را در ۱۲ ماه گذشته مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه ۷۸ سؤالی، دربردارنده پنج مقیاس می‌باشد: مذاکره (۶ ماده)، پرخاشگری روان‌شناختی (۸ ماده)، حمله فیزیکی (۱۲ ماده)، اجبار جنسی (۷ ماده)، و صدمه (۶ ماده). مقیاس مذاکره (N) به

زیرمقیاس‌های مدیریت هیجانی و شناختی تعارض تقسیم می‌شود و چهار مقیاس دیگر مشتمل بر فرم‌های خشونت خفیف و شدید است. CTS2 در واقع شامل دو آزمون با ماده‌های تکرار شده است. نیمی از ماده‌ها در بردارنده توصیف اعمال پرخاشگر است (فرم پرخاشگر) و نیمی دیگر اقدامات همسر در قبال رفتار شخص پرخاشگر (فرم قربانی) را می‌سنجد. چنان‌که گفتیم مطالعات گوناگون شواهدی دال بر پایایی و روایی قابل قبول این آزمون در کشورها و فرهنگ‌های مختلف ارائه داده‌اند (برای مثال استراوس و همکاران، ۱۹۹۶، ۲۰۰۷؛ موراس و ریکنهیم، ۲۰۰۲؛ نیوتن، کانلی، لنسورک، ۲۰۰۱).

روش اجرا

نسخه اصلاح شده تاکتیک‌های حل تعارض از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شد، سپس ترجمه فارسی آن توسط فرد دیگری از فارسی به انگلیسی برگردانده شد و مجدداً دو نسخه انگلیسی از نظر تفاوت‌ها با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفتند. ترجمه نهایی توسط ۵ نفر از اساتید روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد بررسی قرار گرفت. این افراد درجه مفهوم بودن سؤالات و این‌که آیا پرسشنامه تمام جنبه‌های موضوع را در برمی‌گیرد و نیز شکل ظاهری پرسشنامه را مورد بررسی قرار دادند. سپس آیتم‌های پرسشنامه در گروهی متمرکز متشکل از ۲۲ زن متأهل (با حداقل سواد خواندن و نوشتن و حداکثر سوم راهنمایی) یک به یک خوانده شد و هرگونه ابهام در آیتم‌ها مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت. پس از انجام این مراحل پرسشنامه بین زنان و مردان متأهل که حداقل یک‌سال از زمان ازدواج آن‌ها گذشته بود، توزیع شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS15 مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

الف- روایی

برای بررسی ساختار عاملی، آیتم‌های پرسشنامه به دو دسته تقسیم شدند: نسخه قربانی^{۲۸} و نسخه پرخاشگر^{۲۹} که هر دسته شامل ۳۹ آیتم می‌شد. نسبت شرکت‌کننده به آیتم در نهایت ۱۰ به ۱ بود که نشان می‌دهد حجم نمونه برای اجرای تحلیل عامل طبق آن‌چه توسط تاباکنیک^{۳۰} و فیدل^{۳۱} (۱۹۹۱) توصیه کردند، مناسب است.

برای بررسی ساختار عاملی پرسشنامه CTS2 ابتدا داده‌های بدست آمده را با استفاده از روش کدگذاری تناوب سالانه (Annual Frequency) نمره‌گذاری کرده و سپس مورد استفاده قرار گرفتند. با توجه به پیشینه تحقیقاتی برای بررسی ساختار عاملی پرسشنامه در مرحله نخست تعداد عامل‌ها ۵ مورد در نظر گرفته شد. سپس داده‌های مربوط به قربانی و پرخاشگر از یکدیگر جدا شده و تحلیل عاملی برای نمرات کل هر یک به صورت جداگانه انجام شد.

تحلیل عاملی (۵ زیر مقیاس) برای نمره کل قربانی

نتایج نخستین تحلیل که بر روی داده‌های کل بخش مربوط به قربانی در پرسشنامه CTS2 انجام شد حاکی از این بود که تعداد نمونه‌ها از کفایت مناسبی برخوردار می‌باشد ($KMO = ۰/۶۸۱$). فاکتورهای اول تا پنج تا پس از چرخش به ترتیب ۱۱/۳۰، ۱۰/۱۹، ۹/۵۶، ۸/۷۶ و ۷/۷۲ واریانس را تبیین می‌کردند

در تحلیل عاملی داده‌های کل مربوط به قسمت قربانی پرسشنامه، ۳ آیتم که همگی مربوط به زیرمقیاس اجبار جنسی هستند، از تحلیل حذف شده و هیچ واریانسی را به خود اختصاص نداده‌اند. فاکتور اول مربوط به سؤالات زیرمقیاس حمله است که البته یک سؤال مربوط به زیرمقیاس آسیب و یک سؤال مربوط به زیرمقیاس اجبار جنسی نیز بخشی از واریانس آن را تشکیل می‌دهند. در میان عامل‌ها، تنها عامل پنجم به طور کامل از سؤالات زیرمقیاس مذاکره تشکیل شده و سؤالات مربوط به سایر خردهمقیاس‌ها به آن اضافه نشده‌اند.

نتایج تحقیقات انجام شده (برای مثال استراوس، ۲۰۰۴) ناظر بر این است که در بسیاری از موارد آیتم‌های مربوط به دو خردهمقیاس آسیب و اجبار جنسی به کار برده نمی‌شوند، با توجه به این مسئله در این قسمت آیتم‌های مربوط به این دو خردهمقیاس حذف شده و تحلیل عاملی تنها با توجه به آیتم‌های مربوط به سه خردهمقیاس حمله، خشونت روانی و مذاکره انجام شد که نتایج آن در ادامه آمده است.

با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد که در نمونه ایرانی پژوهش حاضر تحلیل سه عاملی با استفاده از سه خردهمقیاس حمله، خشونت روانی و مذاکره نسبت به سایر تحلیل‌ها مناسب‌تر باشد. در تحلیل سه عاملی نمونه قربانی (جدول ۲) عامل نخست مربوط به خردهمقیاس حمله، عامل دوم مربوط به خردهمقیاس مذاکره و در نهایت عامل سوم مربوط به خردهمقیاس خشونت روانی است. در این تحلیل آیتم‌های ۲۲ و ۶۶ که به ترتیب مربوط به خردهمقیاس‌های حمله و خشونت روانی بودند از تحلیل حذف شدند.

هم‌چنین در تحلیل سه عاملی، نمونه پرخاشگر (جدول ۳) عامل اول مربوط به آیتم‌هایی از خردهمقیاس حمله و خشونت روانی است. عامل دوم نیز مشابه عامل اول از آیتم‌های مشترکی از خردهمقیاس‌های حمله و خشونت روانی تشکیل شده است. از آنجایی که عامل دوم علاوه بر آیتم‌های خشونت روانی دارای برخی از آیتم‌های مربوط به خردهمقیاس حمله نیز می‌باشد، آن را تنها به عنوان خشونت نام‌گذاری می‌کنیم. تنها عامل سوم است که از آیتم‌های مربوط به مذاکره تشکیل شده است.

جدول ۲: تحلیل عاملی با چرخش واریماکس (۳ عامل)، نمونه کل قربانی $Suppress = 0/4$.

$KMO = 0/72$ ، واریانس عامل‌ها به ترتیب $18/64$ ، $11/52$ و $11/10$.

۳	۲	۱	
		0/83	۷۴. لگد زدن به همسر (حمله)
		0/72	۱۰. پیچاندن بازو یا موهای همسر (حمله)
		0/71	۴۴. زیر مشتش و لگد گرفتن همسر (حمله)
		0/69	۳۸. محکم به دیوار کوبیدن (حمله)
		0/69	۱۸. هل دادن و انداختن (حمله)
		0/65	۶۲. داغ کردن یا سوزاندن عمدی (حمله)
		0/64	۴۶. گلاویز شدن با همسر (حمله)
		0/55	۸. پرتاب کردن چیزی به سمت همسر
0/42		0/53	۲۸. مشت زدن یا کتک زدن همسر (حمله)
		0/53	۵۴. سیلی زدن به همسر (حمله)
		0/43	۳۴. گرفتن گلوئی همسر (حمله)
	0/73		۴۰. مطمئن بودن در حل مسئله (مذاکره)
	0/68		۲. مراقب هم بودن حتی در صورت وجود (مذاکره)
	0/66		۴. توضیح دادن به همسر در مورد علت (مذاکره)
	0/66		۶۰. پیشنهاد مصالحه دادن (مذاکره)
	0/64		۷۸. موافقت با راه‌حل پیشنهادی (مذاکره)
	0/58		۱۴. احترام گذاشتن به احساسات همسر (مذاکره)
0/66			۶۸. انجام دادن کارهایی در مخالفت با همسر (خشونت روانی)
0/60			۳۶. داد و فریاد زدن سر همسر (خشونت روانی)
0/58			۳۰. خراب کردن وسایل همسر (خشونت روانی)
0/51			۲۶. لقب چاق و بدقواره دادن به همسر (خشونت روانی)
0/47			۶. فحش و ناسزا گفتن به همسر (خشونت روانی)
0/45			۵۰. بیرون کردن همسر از اتاق یا خانه (خشونت روانی)
0/43			۷۰. تهدید به زدن یا پرت کردن چیزی (خشونت روانی)
			۶۶. متهم کردن همسر به خیانت در عشق (خشونت روانی)
			۲۲. استفاده از چاقو یا سنگ علیه همسر (حمله)

جدول ۳: تحلیل عاملی با چرخش واریماکس (۳ عامل)، نمونه کل پرخاشگر $Suppres = 0/4$.

$KMO = 0/77$ ، واریانس عامل‌ها به ترتیب $17/26$ ، $12/88$ و $11/14$.

۳	۲	۱	
		0/72	۶۹. تهدید به زدن یا پرت کردن چیزی (خشونت روانی)
		0/68	۹. پیچاندن بازو یا موهای همسر (حمله)
		0/67	۲۷. مشت زدن یا کتک زدن همسر (حمله)
		0/66	۲۹. خراب کردن وسایل همسر (خشونت روانی)

ادامه جدول ←

ادامه جدول ۳

	۰/۴۴	۰/۶۲	۱۷. هل دادن و انداختن (حمله)
		۰/۶۱	۶۷. انجام دادن کارهایی در مخالفت با همسر (خشونت روانی)
		۰/۵۳	۷. پرتاب کردن چیزی به سمت همسر (حمله)
		۰/۵۱	۴۹. بیرون کردن همسر از اتاق یا خانه (خشونت روانی)
		۰/۴۷	۲۱. استفاده از چاقو یا تفنگ علیه همسر (حمله)
		۰/۴۶	۳۳. گرفتن گلوئی همسر (حمله)
		۰/۴۴	۳۵. داد و فریاد زدن سر همسر (خشونت روانی)
	۰/۶۹		۴۵. گلاویز شدن با همسر (حمله)
	۰/۶۲		۳۷. محکم به دیوار کوبیدن (حمله)
	۰/۶۱	۰/۴۳	۷۳. لگد زدن به همسر (حمله)
	۰/۵۹		۶۱. داغ کردن یا سوزاندن عمدی (حمله)
	۰/۵۰		۵۳. سیلی زدن به همسر (حمله)
	۰/۴۹		۵. فحش و ناسزا گفتن به همسر (خشونت روانی)
	۰/۴۹		۴۳. زیر مشت و لگد گرفتن همسر (حمله)
	۰/۴۲		۶۵. متهم کردن همسر به خیانت در عشق (خشونت روانی)
			۲۵. لقب چاق و بدقواره دادن به همسر (خشونت روانی)
	۰/۷۶		۴۰. مطمئن بودن در حل مسئله (مذاکره)
	۰/۷۱		۶۰. پیشنهاد مصالحه دادن (مذاکره)
	۰/۶۸		۷۸. موافقت با راه حل پیشنهادی (مذاکره)
	۰/۶۷		۲. مراقب هم بودن حتی در صورت وجود اختلاف (مذاکره)
	۰/۶۵		۴. توضیح دادن به همسر در مورد علت مخالفت (مذاکره)
	۰/۵۵		۱۴. احترام گذاشتن به احساسات همسر (مذاکره)

برای بررسی روایی واگرا و همگرا CTS2 از خرده‌مقیاس‌های خود مقیاس استفاده شد. بر اساس پیشینه پژوهش خرده‌مقیاس‌های حمله و خشونت روانی با یکدیگر همبستگی مثبت دارند و سازه‌های مشابهی را اندازه می‌گیرند. اما خرده‌مقیاس مذاکره با سایر خرده‌مقیاس‌ها تفاوت داشته و نسبت به آن‌ها سازه متفاوتی را می‌سنجد (جونس و همکاران، ۲۰۰۲).

جدول ۴: همبستگی خرده‌مقیاس‌های بخش قربانی پرسشنامه با ماده‌های اصلی قبل

از تحلیل و ماده‌های بدست آمده پس از تحلیل

قبل از تحلیل عاملی			
مذاکره	خشونت روانی	حمله	حمله
-۰/۰۴۱	۰/۳۸۴**	۱	حمله
۰/۰۷۹	۱	۰/۳۸۷**	خشونت روانی
۱	۰/۰۷۵	۰/۰۳۶	مذاکره

بعد از تحلیل عاملی

همان‌طور که در جدول ۴ آمده، قبل و بعد از انجام تحلیل عاملی خرده‌مقیاس حمله با خرده‌مقیاس خشونت روانی همبستگی مثبت و معنادار داشته است. بنابراین می‌توان گفت که این خرده‌مقیاس‌ها دارای روایی همگرای مناسبی هستند. به علاوه عدم وجود همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های حمله و خشونت روانی با خرده‌مقیاس مذاکره به معنای وجود روایی واگرایی مناسب مقیاس تاکتیک‌های حل تعارض است.

جدول ۵: همبستگی خرده‌مقیاس‌های بخش پرخاشگر پرسشنامه باماده‌های اصلی قبل از تحلیل و ماده‌های بدست‌آمده پس از تحلیل

قبل از تحلیل عاملی			
مذاکره	خشونت روانی	حمله	
۰/۰۷۰	۰/۶۷۳**	۱	حمله
۰/۱۱۷*	۱	۰/۶۱۳**	خشونت روانی
۱	۰/۰۱۸	۰/۰۷۰	مذاکره

نتایج جدول ۵ حاکی از این است که همبستگی مثبت و معناداری بین خرده‌مقیاس‌های حمله و خشونت روانی از یک سو و خرده‌مقیاس‌های مذاکره و خشونت از سویی دیگر وجود دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که روایی واگرایی مناسبی پیش از انجام تحلیل عاملی وجود نداشته است. اما ماده‌های بدست‌آمده پس از تحلیل صورت گرفته حاکی از وجود همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های حمله و خشونت روانی وجود دارد. با این وجود همبستگی معناداری بین خرده‌مقیاس‌های حمله و خشونت با خرده‌مقیاس مذاکره مشاهده نشد.

ب- پایایی

به منظور بررسی همسانی درونی CTS2 و خرده‌مقیاس‌های آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی خرده‌مقیاس‌ها در دو حالت مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا پایایی آن‌ها را با استفاده از آیت‌های اصلی هر خرده‌مقیاس پیش از انجام تحلیل و سپس پایایی آیت‌ها پس از انجام تحلیل و بر مبنای نتایج بدست‌آمده از تحلیل سه عاملی بررسی شد. نتایج در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های فرم قربانی و پرخاشگر

نمرات مقیاس	تعداد آیت‌ها	بر اساس ماده‌های اصلی	تعداد ماده	بر اساس ماده‌های پس از تحلیل
فرم قربانی	حمله جسمانی	۰/۸۶	۱۱	۰/۸۶
	خشونت روانی	۰/۶۶	۷	۰/۶۶
	مذاکره	۰/۷۷	۶	۰/۷۷
فرم پرخاشگر	حمله جسمانی	۰/۸۲	۱۱	۰/۸۱
	خشونت روانی	۰/۷۱	۸	۰/۷۴
	مذاکره	۰/۷۷	۶	۰/۷۷

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر، همسو با مطالعات پیشین (لاسنس^{۳۲}، فالس - استوارت^{۳۳}، ریچارد^{۳۴} و گوشا^{۳۵}، ۲۰۰۱؛ نیوتن، کانلی، و لندسورک، ۲۰۰۱؛ توامی، جی، بک، و بک، ۲۰۰۲) بر ویژگی‌های روان‌سنجی قابل قبول CTS2 دلالت دارد.

نتایج مطالعه حاضر بیانگر آن است که به کار بردن سه عامل اصلی برای نمونه ایرانی شرکت‌کننده در آن مناسب‌تر است. این یافته با برخی مطالعات صورت گرفته در تناقض می‌باشد. برای مثال نیوتن و همکاران (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که مدل پنج عاملی مناسب‌تر از مدل سه عاملی است. لاسنس و همکاران (۲۰۰۱) نیز در بررسی تحلیل عاملی این مقیاس که در نمونه‌ای از زنان زندانی انجام گرفت ساختار پنج عاملی را برای این پرسشنامه گزارش کردند، به خصوص در مورد آیتم‌هایی که در رابطه با ارتکاب یک رفتار از آزمودنی سوال پرسیده می‌شد. به طوری که میزان بار قرار گرفته بر روی این دسته از تجربیات آشکارا بیشتر بود، این امر به این معنا است که خرده‌مقیاس‌ها جنبه‌های نسبتاً متفاوت خشونت، پرخاشگری و حل مسئله را در روابط زوجین مورد بررسی قرار می‌دهند. علاوه بر آن، در گزارش آن‌ها همسانی درونی این مقیاس نیز همانند خرده‌مقیاس‌های آن مناسب بود که البته این مسئله در پژوهش‌های جدید انجام گرفته بر روی مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های حل تعارض تأیید شده است (وگا^{۳۶} و الیری^{۳۷}، ۲۰۰۷؛ اندرسون و لی، ۲۰۱۰). با توجه به مطالعه‌های نام برده شده به نظر می‌رسد که برخلاف نمونه‌های مورد بررسی آن‌ها، در نمونه پژوهشی حاضر استفاده از سه خرده‌مقیاس اصلی بهتر از استفاده از پنج خرده‌مقیاس است. در توجیه این ناهمخوانی باید به چند نکته اشاره کرد: نخست این که دو خرده‌مقیاس اجبار جنسی و آسیب کاملاً به یکدیگر مرتبط بوده و هر دو برای بررسی خشونت شدید مورد استفاده قرار می‌گیرند. این امکان وجود دارد که در نمونه ایرانی این پژوهش شدت پرخاشگری‌های شدید یا گزارش میزان پرخاشگری‌های شدید کم‌تر از نمونه‌های پژوهش‌های دیگر باشد. توجیه دوم می‌تواند مربوط به تفاوت نمونه‌های به کار رفته باشد. برای مثال نمونه پژوهش استراس و همکاران (۱۹۹۶) بر روی گروهی از دانشجویان انجام شد، بنابر یافته‌های پژوهشی میزان خشونت در بین جمعیت جوان بیشتر از گروه‌های مسن است (نیوتن و همکاران، ۲۰۰۱). در مورد نمونه لاسنس و همکاران (۲۰۰۱) نیز می‌توان از تبیین مشابهی سود جست، زیرا آنان نیز پژوهش خود را بر روی گروهی از زنان زندانی انجام دادند که بر اساس شواهد تجربی و بالینی میزان بیشتری از خشونت را تجربه کرده‌اند. بنابراین این احتمال وجود دارد که نمونه موجود در این مطالعات در مجموع میزان بالاتری از خشونت را تجربه کرده باشند. سوم این که ممکن است شرکت‌کنندگان به خاطر مسائل فرهنگی از ارائه اطلاعات کامل درباره روابطشان به‌ویژه رفتارهای پرخاشگرانه جنسی و نیز آسیب‌های ناشی از رفتارهای خشونت‌بار همسر خود خودداری

کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های بیشتر و با استفاده از نمونه‌هایی با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشابه‌تر برای مشخص کردن ویژگی‌های ساختاری این مقیاس به کار برده شود. یکی دیگر از اهداف این پژوهش، بررسی پایایی و روایی مقیاس تجدیدنظرشده تاکتیک‌های حل تعارض بود. بر اساس نتایج آلفای کرونباخ در میان خرده‌مقیاس‌های بررسی شده بیشترین میزان آلفای کرونباخ مربوط به مقیاس حمله بود که این مسئله نشان‌دهنده همبستگی درونی بالای سؤالات این خرده‌مقیاس با یکدیگر است. کمترین میزان همبستگی نیز مربوط به خرده‌مقیاس خشونت روانی بود، با وجود تفاوت‌های موجود در میزان آلفای کرونباخ در مقیاس‌های مختلف، می‌توان گفت که همبستگی خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه در دامنه از خوب تا نسبتاً مناسب قرار دارد. مطالعات دیگر انجام شده بر روی این خرده‌مقیاس‌ها نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند (استراوس و همکاران، ۱۹۹۶؛ وگا و الیری، ۲۰۰۷).

استراوس و همکاران (۱۹۹۶) پایایی این مقیاس را مناسب گزارش می‌کنند. در مطالعه آنان مقیاس خشونت روانی کمترین همبستگی درونی را از بین سه مقیاس دیگر داشت. آن‌ها معتقدند که برخی از ماده‌ها برای افزایش گوناگونی محتوای مقیاس به آن اضافه شده بودند، اضافه شدن این ماده‌ها دلیل اصلی کاهش پایایی درونی این خرده‌مقیاس بود.

در مطالعه لاسنت و همکاران (۲۰۰۱) نیز از بین سه مقیاس اصلی بیشترین آلفای کرونباخ مربوط به حمله جسمانی و کمترین آلفا مربوط به خشونت روانی بود، که با یافته‌های این پژوهش همخوانی بیشتری دارد، هر چند که آلفای گزارش شده در پژوهش لاسنت و همکاران (۲۰۰۱) بالاتر از آلفای بدست آمده در این پژوهش است. در مطالعه نیوتن و همکاران (۲۰۰۱) نیز بالاترین ضریب آلفا مربوط به مذاکره و کمترین ضریب آلفا مربوط به خشونت روانی بود. پایین بودن ضریب آلفا در اکثر مطالعات انجام شده احتمالاً به خاطر همان دلیلی است که استراوس و همکاران (۲۰۰۴) به آن اشاره کرده‌اند، یعنی کاهش یافتن همبستگی درونی به خاطر افزایش آیت‌هایی برای پوشش بیشتر رفتارهای مربوط به پرخاشگری روانی. در واقع این طور به نظر می‌رسد که هرچند استراوس و همکاران (۱۹۹۶) با این کار توانسته‌اند طیف وسیع‌تری از رفتارهای خشونت‌بار را مورد بررسی قرار دهند اما این کار به قیمت کاهش همبستگی درونی سؤالات تمام شده است. اگرچه پایایی مقیاس خشونت روانی گزارش شده در نمونه‌های خارجی پایین‌تر از سایر خرده‌مقیاس‌ها بود، با این حال در دامنه مناسبی قرار گرفته (۰/۷۷-۰/۸۲)، اما در مطالعه حاضر پایایی بدست آمده برای این خرده‌مقیاس در حد متوسط بوده (۰/۶۶) که این امر نشان‌دهنده همبستگی کم‌تر ماده‌های مربوط به آن در نمونه حاضر می‌باشد. علت این کاهش را می‌توان به نوع نمونه مطالعه حاضر مرتبط دانست. نمونه پژوهش حاضر را زنان و مردانی تشکیل می‌دادند که به صورت در دسترس و از تمام مناطق شهر تهران انتخاب شده بودند، تنها معیار انتخاب آن‌ها مدت زمان ازدواج و سکونت در شهر تهران بود. این نوع

نمونه‌گیری به این معنا است که افراد و اقشار مختلف فرهنگی و قومیتی می‌توانند در نمونه حضور داشته باشند و شاید یکی از علل پایین بودن ضرایب آلفا پراکندگی نمونه باشد، این در حالی است که نمونه‌گیری مطالعات پیشین اصولاً در یک گروه خاص انجام شده‌اند، برای مثال استراوس و همکاران (۱۹۹۶) از دانشجویان استفاده کردند و لانسنت و همکاران (۲۰۰۱) که بالاترین ضرایب آلفا را در پژوهش خود گزارش کردند از زنان زندانی برای انجام نمونه‌گیری استفاده کردند.

از جمله ویژگی‌های دیگر مورد بررسی در این پژوهش، روایی همگرا و واگرایی CTS2 بود. بنا به گفته کمپل^{۳۸} و فیسک^{۳۹} (۱۹۵۹) روایی واگرا زمانی مشخص می‌شود که بین یک متغیر با متغیرهای نامرتبب هیچ همبستگی‌ای وجود نداشته باشد. همان‌طور که می‌دانیم، خرده‌مقیاس مذاکره به لحاظ نظری رفتارهایی را بررسی می‌کند که با دو خرده‌مقیاس دیگر یعنی حمله و پرخاشگری روانی متفاوت است، بنابراین عدم وجود همبستگی بین این خرده‌مقیاس با دو خرده‌مقیاس دیگر در مطالعه حاضر را می‌توان به عنوان شاهدی بر روایی واگرایی مناسب در این مقیاس به حساب آورد، از سویی دیگر دو مقیاس خشونت روانی و حمله دارای آیتم‌هایی هستند که هر دو دربرگیرنده رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به همسر می‌باشند، بنابراین وجود همبستگی میان این دو خرده‌مقیاس به معنای وجود روایی همگرای مناسب در این مقیاس می‌باشد. این یافته نیز با اکثر مطالعات انجام شده هماهنگ بود (استراوس و همکاران، ۱۹۹۶؛ نیوتن و همکاران، ۲۰۰۱؛ لانسنت و همکاران، ۲۰۰۱).

به طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های حل تعارض از روایی و پایایی مناسبی در جامعه ایرانی برخوردار است. می‌توان گفت این مقیاس یک ابزار خودگزارش‌دهی مفید و کارآمد برای اهداف پژوهشی و همچنین مشاوره زوجین است.

سپاسگزاری: بدین‌وسیله از معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی که حمایت مالی از این طرح به‌عمل آورده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Gelles
2. Smithey
3. Straus
4. Anderson
5. Leigh
6. Adams
7. Curiously
8. Archer
9. Desai
10. Saltzman

21. Newton
22. Connelly
23. Landsverk
24. Tuomi Jones
25. Ji
26. Beck
27. Beck
28. Victim
29. Perpetrator
30. Tabachnick

- | | |
|------------------------------|------------------|
| 11. Negotiation | 31. Fidell |
| 12. Psychological aggression | 32. Lucente |
| 13. Physical Assault | 33. Fals-Stewart |
| 14. Sexual coercion | 34. Richards |
| 15. Injury | 35. Goscha |
| 16. Calvete | 36. Vega |
| 17. Corral | 37. O'Leary |
| 18. Estévez | 38. Campbelle |
| 19. Moraes | 39. Fiske |
| 20. Reichenheim | |

منابع

اعزازى، ش. (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت عليه زنان. فصلنامه علمى - پژوهشى رفاه اجتماعى، ۱۴، ۴۷-۸۴.

- Adams, B. N. (1965). Coercion and consensus theories: Some unresolved issues. *American Journal of Sociology*, 71, 714-716.
- Anderson. M. L., & Leigh. I. W. (2010). Internal consistency and factor structure of the revised Conflict Tactics Scales in a sample of deaf female college students. *Family violence*, 25, 475-483.
- Archer, J. (1999). Assessment of the reliability of the conflict tactics scales: A meta-analytic review. *Journal of Interpersonal Violence*, 14, 1263-1289.
- Archer, J. (2000). Sex differences in aggression between heterosexual partners: A metaanalytic review. *Psychological Bulletin*, 126(5), 651-680.
- Calvete, E., Corral, S., & Estévez, A. (2007). Factor structure and validity of the revised Conflict Tactics Scales for Spanish women. *Violence Against Women*, 13, 1072-1087.
- Campbell, D. T., & Fiske, D. W. (1959). Convergent and discriminant validation by the multitrait-multimethod matrix. *Psychological Bulletin*, 56, 81-105.
- Desai, S., & Saltzman, L. E. (2001). Measurement issues for violence against women. In C. M. Renzetti, J. L. Edleson, & R. K. Bergen (Eds.), *Sourcebook on violence against women* (pp. 35-52). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Gelles, R. J. (1979). *Intimate violence in families* (3rd ed.). London: Sage Publications.
- Lucente, S., Fals-Stewart, W., Richards, H., Goscha, J. (2001). Factor structure and reliability of the rRevised Conflict Tactics Scales for incarcerated female substance abusers. *Journal of Family Violence*, 16, 437-450.
- Moraes, C. L., & Reichenheim, M. E. (2002). Cross-cultural measurement equivalence of the revised Conflict Tactics Scales (CTS2) Portuguese version used to identify violence within couples. *Cadernos de Saúde Pública*, 18, 163-176.
- Newton, R. R., Connelly, C. D., & Landsverk, J. A. (2001). An examination of measurement characteristics and factorial validity of the revised Conflict Tactics Scale. *Educational and Psychological Measurement*, 61, 317-335.
- Smithy, M., & Straus, M. A. (2004). Primary prevention of intimate partner violence. In H. Kury & J. Obergfell-Fuchs (Eds.), *Crime prevention—New approaches* (pp. 239-276). Mainz/Germany: Weisser Ring Gemeinnutzige Verlagsmbh.

- Straus, M. A. (2004). *Cross cultural reliability and validity of the revised Conflict Tactics Scales* [On-line]. Available: <http://pubpage.unh.edu/~mas2>.
- Straus, M. A. (2004). Cross-cultural reliability and validity of the revised Conflict Tactics Scales: A study of university student dating couples in 17 Nations. *Journal of Cross-Cultural Research*, 38(4), 407-432.
- Straus, M. A. (2007). Gender symmetry in prevalence severity and chronicity of physical aggression against dating partners by university students in Mexico and USA. *Journal of Aggressive Behavior*, 33, 281-290.
- Straus, M. A., & Gelles, R. J. (1990). *Physical violence in American families: Risk factors and adaptations to violence in 8145 families*. New Brunswick, NJ: Transaction.
- Straus, M. A., & Hamby, S. L. (1996). The revised Conflict Tactics Scale (CTS2). *Journal Of Family Issues*, 17(3), 283-316.
- Straus, M. A., Hamby, S. L., & Warren, W. L. (2003). *The conflict tactics scales handbook*. Los Angeles: Western Psychological Services.
- Straus, M., Hamby, S., Boney-McCoy, S., & Sugarman, D. (1996). The revised Conflict Tactics Scales (CTS2): Development and preliminary psychometric data. *Journal of Family Issues*, 17(3), 283-316.
- Tuomi Jones, T., Ji, P. N., Beck, M., & Beck, N. (2002). The reliability and validity of the revised Conflict Tactics Scale (CTS2) in a female incarcerated population. *Journal of Family Issues*, 23, 441-457.
- Vega, E., O'Leary, D., (2007). Test-retest reliability of the revised Conflict Tactics Scales (CTS2). *Journal of Family Violence*, 7(22), 703-708.

